



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

The Nature of Treaties from a Domestic and International Vision; Contract or Law? (Study of International Documents, Iranian and Iraqi Laws)

Mohammad Shukri¹

1. Assistant Prof., Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: mshokri@pnu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 4 Oct 2024

Received in revised form 16
Nov 2024

Accepted 19 Dec 2024

Available online 29 Dec 2024

Keywords:

Treaty,
international treaties,
legal nature,
law,
contract.

International treaties are one of the important necessities in the international life of states and important elements in the relations between states, the subject of this article is what is the nature of international treaties; to distinguish between them, three theories can be examined: unilateral obligation, contract, and law. determining the nature of the treaty has many benefits and effects, in a way that will lead to a correct view of those affected by the treaty and the holders of the rights and obligations arising from the treaty, as well as other issues such as resolving the conflict between the provisions of the treaty and the law and determining the level of obligation resulting from it in its nature can be detected by the beam. In the present study, international documents, jurisprudence, and Iranian and Iraqi laws are the basis of analysis. the research method is library-based; after studying sources including related books and articles and examining The data in an analytical-descriptive manner, the results are as follows: Some have attributed the treaty to be of the nature of a contract, some to law, and others to be of one of the two based on its bilateral or multilateral nature. Based on the shortcomings of the aforementioned opinions, the hypothesis of the difference in the nature of the treaty is from two aspects, domestic and international; It has both contractual and legal aspects at the same time, in short, this research concluded that Firstly, the contractual nature of the treaty is ruled out due to the non-acceptance of unilateral obligations, the exclusiveness of unilateral obligation to specific cases, and the reciprocal and bilateral nature of treaties. Secondly, the nature of international treaties should be determined from two perspectives, domestic and international, and on the other hand, its international aspect should also be based on the type of treaty; in such a way that “treaty-law” should be considered as having the nature of law both from the domestic and international point of view, but the treaty-contract has the nature of law from the domestic point of view (within the member states) and from the international point of view (against the government treaty members) has a contractual nature.

Cite this article: Shukri, Mohammad. (2024). The Nature of Treaties from a Domestic and International Vision; Contract or Law? (Study of International Documents, Iranian and Iraqi Laws). *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 2 (4), 37- 56. <http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2044212.1053>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2044212.1053>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

ماهیت معاهدات از منظر داخلی و بین‌المللی؛ قرارداد یا قانون؟ (مطالعه اسناد بین‌المللی، حقوق ایران و عراق)

محمد شکری^۱

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: mshokri@pnu.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>معاهدات بین‌المللی از ضرورت‌های مهم در زندگی بین‌المللی دولت‌ها و از عناصر مهم در روابط بین دولت‌ها به شمار می‌رود، مسئله موضوع نوشتار حاضر چپستی ماهیت معاهدات بین‌المللی است؛ برای تشخیص سه نظریه شامل ایقاع، قرارداد و قانون قابل بررسی است. تشخیص ماهیت معاهده واجد فواید و آثاری متعددی است، به‌نحوی که موجب نگاه صحیح به متأثران از معاهده و دارندگان حقوق و تکالیف ناشی از معاهده خواهد شد، همچنین مواردی دیگر از قبیل حل تعارض مفاد معاهده با قانون و تعیین سطح الزام ناشی از آن در پرتو تشخیص ماهیت آن می‌سور می‌گردد. در پژوهش حاضر اسناد بین‌المللی، فقه، حقوق ایران و عراق مبنای تحلیل می‌باشد. روش تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای است؛ پس از مطالعه منابع اعم از کتب و مقالات مربوط و بررسی داده‌ها به نحو تحلیلی-توصیفی به نتایج منتهی می‌گردد برخی معاهده را دارای ماهیت قرارداد، برخی قانون و برخی دیگر به بر مبنای دوجانبه یا چندجانبه بودن یکی از آن دو را بدان نسبت داده‌اند. بر مبنای نقصان نظرات مزبور، فرضیه تفاوت ماهیت معاهده از دو جنبه داخلی و بین‌المللی است؛ و هم‌زمان از هر دو وجه قراردادی و قانونی بودن برخوردار می‌باشد، به‌طور خلاصه این تحقیق به این نتیجه رسید که اولاً ماهیت ایقاعی معاهده با توجه به عدم پذیرش تمهد یک‌طرفه، انحصار ایقاعات به موارد معین و ویژگی تقابلی و طرفینی بودن معاهدات منتفی است، ثانیاً تشخیص ماهیت معاهدات بین‌المللی باید از دو منظر داخلی و بین‌المللی به تفکیک و از سویی جنبه بین‌المللی آن نیز با توجه به نوع معاهده باشد؛ به‌نحوی که «معاهده-قانون» را باید هم از جهت داخلی و هم از منظر بین‌المللی دارای ماهیت قانون دانست اما معاهده-قرارداد از جهت داخلی (داخل دولت‌های عضو) ماهیت قانون و از منظر بین‌المللی (در مقابل دولت‌های عضو معاهده) از ماهیت قراردادی برخوردار است.</p>	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹</p> <p>کلیدواژه‌ها: معاهده، معاهدات بین‌المللی، ماهیت حقوقی، قانون، قرارداد.</p>

استناد: شکری، محمد (۱۴۰۳). ماهیت معاهدات از منظر داخلی و بین‌المللی؛ قرارداد یا قانون؟ (مطالعه اسناد بین‌المللی، حقوق ایران و عراق). *مطالعات*

تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، ۲ (۴)، ۵۶-۳۷.

<http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2044212.1053>

© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

معاهدات بین‌المللی از ضرورت‌های مهم در زندگی بین‌المللی و فرامرزی دولت‌ها یکی از عناصر مهم در روابط بین دولت‌ها محسوب می‌شود. معاهدات وسیله ارتباط هدفمند دولت‌ها با یکدیگر و مظهر همکاری، تعاون و هم‌افزایی بین‌المللی است، هرچند کشور ما گاه خاطرات ناخوشایندی هم از این واقعیت حقوقی دارد؛ معاهدات ترکمانچای و گلستان موجب تحدید حاکمیت ارضی ایران شد، همچنین معاهده تحمیلی آخال از سوی روس‌ها بر دولت قاجار موجب جدایی بخش وسیعی از سرزمین ما شد و آثار منفی امنیتی عمیق به دنبال داشت. (شمولی و بصیری، ۱۳۹۶: ۵۳)

در اهمیت معاهدات بین‌المللی همین بس که تقریباً هر جا سخن از رابطه دو یا چند دولت-کشور است، دست‌کم یک معاهده بین‌المللی در این بین وجود دارد که عامل ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. این معاهدات که در قالب یک سند بین‌المللی متبلور می‌شوند، طرفین، موضوع، چارچوب و حدود حقوق و تکالیف و درواقع کیفیت و کمیت رابطه بین طرفین معاهده را در موضوع یا موضوعاتی تعیین و مشخص می‌نمایند. موضوع معاهده می‌تواند ابعاد مختلف از روابط بین‌المللی از جمله سیاسی، نظامی، اقتصادی، مالی، تجاری را پوشش دهد، در حوزه تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی، معاهده‌گزینی یکی از رفتارهایی است که سرمایه‌گذار با توسل بدان درصدد بهره‌مندی از مزایای یک معاهده به نفع خود است. (میرمحمدی و خمیسی‌زاده، ۱۴۰۰: ۹۵۶) اساس تشکیل اتحادیه اروپا، معاهدات مصوب دولت‌های عضو می‌باشد. (شیری، ۱۳۸۹: ۲۶۶)

در کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، عنوان، معیار تشخیص معاهده نیست؛ بنابراین عناوینی مانند عهدنامه، منشور، کنوانسیون، موافقت‌نامه و غیره مؤثر در شمول معاهده نیست، بلکه خصوصیات معاهده مهم است؛ مواردی از جمله ایجاد با اراده دولت‌ها، ایجاد حق و تکلیف، کتبی بودن از جمله این ویژگی‌هاست. از موضوعات درخور توجه راجع به معاهدات بین‌المللی، چیستی و ماهیت حقوقی آن‌هاست. این موضوع طی سالیان متمادی تدریس درس حقوق بین‌الملل حقوق خصوصی برای نویسنده جلب توجه نمود و پس از تتبع لازم و مطالعه منابع، قابلیت بررسی علمی و امکان ارائه نظری جامع نسبت به موضوع حاضر در نظر افتاد. مقوله ماهیت حقوقی این اسناد بین‌المللی در حد کافی مورد توجه نویسندگان واقع نگردیده و در مواردی هم که بدان پرداخته‌اند، بیان مطلب در حد اشاره و به نحو سطحی است و آنجا که مطالبی بیان شده است، نظرات از جامعیت کافی برخوردار نبوده و به نحوی یکی از زوایای ماهیت معاهده (داخلی یا بین‌المللی) مغفول مانده است، حال آنکه روشن شدن این مقوله از معاهدات، علاوه بر درک جنس و چیستی این اسناد بین‌المللی، موجب تنویر افکار و نوع نگاه، معرفت آثار حقوقی و سطح و دامنه الزام‌آور بودن آن‌ها، حل مسئله تعارض معاهده با قوانین داخلی و همچنین تشخیص دارندگان حق و تکلیف است.

تحقیق حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی به بیان موضوع می‌پردازد و با مراجعه به قانون، منابع مرتبط اعم از اسناد بین‌المللی، فقه، حقوق موضوعه ایران و عراق به تحلیل مبانی می‌پردازد، در این راستا نظرات مرتبط بررسی و آنگاه با تحلیل آن‌ها نظر منطبق با واقعیت اعتباری معاهده بین‌المللی ارائه می‌گردد. درباره ماهیت حقوقی معاهدات بین‌المللی سه نظر قابل ارائه است؛ ایقاع بودن معاهدات بین‌المللی، قرارداد بودن معاهدات بین‌المللی و قانون بودن معاهدات بین‌المللی. این موارد به تفکیک بیان و مورد تحلیل قرار می‌گیرد و سپس ضمن نقد آن‌ها نظر پیشنهادی و مختار ارائه می‌شود.

۱. ماهیت ایقاعی معاهدات بین‌المللی

یکی از نظرات قابل ارائه در مقام بیان ماهیت معاهدات بین‌المللی این است که آن را از نوع ایقاع دانست، نظریه ایقاع بودن معاهده از این منظر توجیه و طرح می‌گردد که اراده دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی طرف معاهده را به صورت یک‌جانبه، خالق و ایجادکننده آن دانسته و ملل و تابعان آن‌ها را برخورداران از حق یا تکلیف ناشی از معاهده قلمداد نمود؛ زیرا اتباع دولت‌های طرف معاهده اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی متأثر از آثار این معاهدات، در انشاء و ایجاد آن هیچ دخالتی ندارند، بلکه اشخاص حقوقی دولت یا سازمان بین‌المللی طرف معاهده آن را ایجاد می‌نمایند و تابعان آن‌ها، صرفاً پس از انشاء توسط دولت و تصویب در مجلس، از آثار حقوقی آن اعم از حقوق و تعهدات متأثر می‌گردند. این نظر درباره ماهیت حقوقی معاهدات با اشکالات اساسی مواجه است؛ زیرا اولاً بر اساس نظام حقوق داخلی گر چه به وسیله برخی ایقاعات معین مانند ابراء می‌توان تعهدی از دیگری (مدیون) ساقط کرد اما آیا به وسیله ایقاع ممکن است تعهدی برای دیگری ایجاد نمود؟

در پاسخ به سؤال باید گفت؛ در برخی نظام‌های حقوقی خارجی «تعهد یک‌طرفه» موضوعی درخور بررسی است. در حقوق انگلستان قرارداد به دو دسته یعنی قرارداد دو طرفه و یک طرفه قابل تقسیم است. در نظام حقوق داخلی ایران پاسخ نیازمند پردازش و بررسی انواع ایقاعات موجود است. عقد مشتمل بر عقد معین و عقد نامعین است و قسم اخیر (عقود نامعین) موجب عدم محدودیت در انواع آن گردیده است. این امر در ماده ۱۰ قانونی مدنی کشور ما صریحاً تأیید گردیده است و بر مبنای حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادی فارغ از محدودیت نوع عقد و بدون انحصار قرارداد به انواع معین، به صرف عدم مخالفت با نظم عمومی و البته با رعایت شرایط اساسی صحت قراردادها (ماده ۱۹۰ قانون مدنی) انعقاد هر قراردادی، صحیح و نافذ است اما ایقاعات در حقوق اسلام و به تبع آن در حقوق داخلی ایران به عنوان یکی از انواع اعمال حقوقی چنین نیست؛ انواعی از ایقاعات تحت عناوین مشخص و به اصطلاح ایقاعات بانام شناسایی و به رسمیت شناخته شده است. برخلاف عقود، در ایقاعات نوع نامعین شناسایی نگردیده است و ایقاعات منحصر به موارد معین و بانام است، ماده ۱۰ قانون مدنی نیز قابل توسیع به حوزه ایقاع نیست. از این رو باید قائل به احصایی بودن آن‌ها و تحدید ایقاعات به انواعی بود که در فقه و قانون نام مشخص دارد؛ از جمله حیات مباحات، طلاق، فسخ، ابراء، اعراض، اخذ به شفعه^۱ البته نظر مخالف مبنی بر امکان توسعه و پذیرش ایقاع نامعین بر مبنای ماده ۳۰ قانون مدنی و اصل تسلیط بر مال نیز وجود دارد، لکن همین نظر مخالف نیز محدوده ایقاع نامعین را فقط در امور مالی احتمال داده است. (قاسمی حامد، ۱۴۰۱: ۲۳ به بعد)

از بین ایقاعات ذکر شده تنها حیات و اخذ به شفعه موجب کسب حق است. حیات موجب تملک مباحات برای حیات‌کننده است و اخذ به شفعه نیز موجب تملک سهم مشاع ملک فروخته شده برای شفیع است. اثر ابراء و اعراض اسقاط حق است؛ ابراء اسقاط حق دینی توسط دائن و اعراض اسقاط حق عینی توسط مالک به نحو یک‌طرفه است. فسخ و طلاق نیز موجب بر هم زدن عقد است. با این سیر اجمالی می‌توان بدین نتیجه رسید که بر اساس انحصاری بودن ایقاعات و تحدید انواع آن به موارد معین، نمی‌توان ماهیت معاهدات بین‌المللی را ایقاع دانست، خاصه اینکه ایجاد حق توسط ایقاع که منحصر به دو مورد حیات و اخذ به شفعه است.

۱- اقرار ایقاع نیست؛ جنس اقرار اخبار است و در تعریف آن گفته شده اخبار به حقی به نفع غیر و به ضرر خود. در واقع اقرارکننده هیچ ماهیتی ایجاد و انشاء نمی‌سازد، بلکه صرفاً خبر از واقعیتی می‌دهد که قبلاً رخ داده است، بنابراین اقرار به دلیل فقدان جنبه انشائی اساساً عمل حقوقی نیست. (کریمی، ۱۳۹۰: ۳۹)

ثانیاً و مهم‌تر اینکه معاهدات با اراده دو یا چند دولت یا سازمان بین‌المللی ایجاد می‌شود، آن‌هم بدین نحو که این اراده به صورت تقابلی است؛ زیرا هرکدام در قبال پذیرش تعهداتی در پی کسب منافعی برای خود است؛ چنین وضعیتی یعنی ماهیت ناشی از اراده تقابلی دو یا چند طرف دلالت بر ماهیت قراردادی دارد نه ایقاع. ایقاع اصولاً با اراده یک شخص ایجاد می‌گردد و در مواردی که اراده چند شخص همانند اعراض هم‌زمان مالکین مشاع یک عین از مایملک خود یا ابراء طلبکاران مشاع دین واحد نسبت به حق دینی خود، تضارب اراده‌ها به صورت متقابل نیست بلکه همسو و هم‌جهت هرکدام نسبت به سهم مشاع خود است.

ثالثاً ایجاد ماهیت حقوقی بنام معاهده بین‌المللی که با اراده دو یا چند دولت (یا سازمان بین‌المللی) ایجاد می‌گردد، خود عمل حقوقی تقابلی است و اینکه آثار آن علاوه بر شخص حقوقی دولت ممکن است متوجه تابعین آن شود، موضوعی غیرمستقیم و اثر حقوقی آن است که گاه به وسیله عقد نیز در مواردی مانند تعهد به نفع شخص ثالث نیز ایجاد خواهد شد و وجهی برای ایقاع دانستن آن نیست. بنابراین ایقاع بودن معاهده بین‌المللی در هر حال قابل پذیرش نیست.

۲. ماهیت قراردادی معاهدات بین‌المللی

قرارداد واقعیت اعتباری ناشی از توافق طرفین است. اراده فعلی از افعال نفس می‌باشد (الموسوی‌الخمینی، ۱۳۶۲: ۱۱۱-۱۱۰) نظر مشهور فقها تفکیک قصد از رضاست، عنصر سازنده عقد قصد است و با ابراز بدون قصد واقع نخواهد شد. (انصاری، ۱۴۱۰: ۱۱/۸) بر اساس قاعده «العقود تابعه للقصد»، عقد تابع قصد و اراده طرفین قرارداد است. (شگری، ۱۴۰۲: ۲۶۴) در فقه عموماً برای تشکیل عقد عموماً صیغه مخصوص هر عقد را لازم می‌دانستند. (حسینی عاملی ۱۴۱۹: ۴۸۴/۱۲) ولی برخی فقها قائل به طریقت ابراز اراده هستند (نراقی، ۱۳۴: ۱۴۱۷) نظر اخیر مورد پذیرش نظام حقوقی ایران واقع و در ماده ۱۹۱ قانون مدنی تبلور یافته است.

با ذکر این مقدمه در یک نظر معاهدات بین‌المللی را باید یک عمل حقوقی در سطح بین‌المللی دانست؛ زیرا با قصد و اراده طرف‌های آن اعم از دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی به‌منظور ایجاد آثار حقوقی ایجاد می‌گردد. از این رو می‌توان آن را مقیاسی بین‌المللی از اعمال حقوقی تلقی نمود. در طرح تحلیلی مطلب باید اشاره نمود که اعمال حقوقی دو نوع است؛ ایقاع و عقد (قرارداد). نظریه ایقاع بودن عهدنامه بین‌المللی در مبحث قبلی طرح و به دلایل ذکر شده قابل پذیرش نیست. نظریه دیگر در خصوص ماهیت این واقعیت اعتباری، عقد یا قرارداد بودن ماهیت عهدنامه بین‌المللی است؛ زیرا معاهده مخلوق اراده دو یا چند دولت یا سازمان بین‌المللی است که برای ایجاد اثر یا آثار حقوقی خاص قصد انشای آن را نموده و با توافق آن‌ها ایجاد شده است.

کنوانسیون حقوق معاهدات وین نیز در تعریف معاهده آن را توافق^۱ بین دولت‌ها می‌داند؛ «معاهده عبارت است از توافقی بین دولت‌ها که به نحو کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، صرف‌نظر از عنوان خاص آن، خواه در یک سند یا دو یا چند سند مرتبط به یکدیگر منعکس گردد» واژه «توافق» مبین ماهیت قراردادی این سند بین‌المللی است. علاوه بر شرط کتبی بودن، موضوع دیگر شرایط طرفین معاهدات بین‌المللی است، مطابق تعریف مذکور طرفین معاهده فقط دولت‌هاست و در نظر کنوانسیون حقوق معاهدات، صرفاً دولت‌ها هستند که می‌توانند با توافق یکدیگر معاهده ایجاد نمایند و توافق سایر اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی را نمی‌توان معاهده نامید.

هرچند سایر شرایط دیگر را دارا باشد. البته برخلاف این تفسیر لفظی از کنوانسیون، علاوه بر دولت‌ها با یکدیگر، معاهده می‌تواند بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الملل و یا سازمان‌های بین‌المللی با هم منعقد شود. سازمان‌های بین‌المللی که از اجتماع دولت‌ها تشکیل می‌شوند، از شخصیت حقوقی برخوردارند و حقوق آن‌ها بر اساس یک شخصیت بین‌المللی توجیه می‌گردد؛ از این رو تابع حقوق بین‌الملل بوده و از حقوق و تکالیف بین‌المللی برخوردار می‌باشند. (موسی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۵) همان‌طور که برخی نویسندگان گفته‌اند؛ عنوان معاهدات بین‌المللی صرفاً معاهداتی را در بر می‌گیرد که بین اعضای جامعه بین‌المللی منعقد شده باشد. بنابراین مواردی مانند سند ازدواج اعضای خانواده سلطنتی و قرارداد ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ بین دولت ایران با شرکت نفت ایران و انگلیس معاهده محسوب نمی‌گردد. (موسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۸) توافق بین یک دولت و یک نهاد غیردولتی یک معاهده بین‌المللی را تشکیل نمی‌دهد، اگرچه چنین توافقی ممکن است تحت قوانین بین‌المللی باشد و ممکن است مسائل حقوق بین‌الملل را تنظیم نماید (Fitzmaurice, 2021: <https://opil.ouplaw.com>) بر این مبنا توافق بین یک دولت با یک شرکت خارجی یا مؤسسه عمومی یا خصوصی معاهده تلقی نخواهد شد. رویکرد عملی این امر عدم الزام حقوقی توافقات غیرمعاهده است، به نحوی که فاقد ضمانت اجرای حقوقی به‌عنوان معاهده هستند.

در این تحلیل هر دولت یا سازمان بین‌المللی امضاکننده معاهده، به‌عنوان یک شخص حقوقی طرف معاهده محسوب می‌شود. این تئوری بر این مبنا شکل گرفته است؛ همان‌طور که قراردادهای داخلی با قصد انشاء دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی ایجاد و تشکیل می‌گردد، معاهدات بین‌المللی نیز محصول اراده انشائی و توافق دو یا چند شخص حقوقی (دولت یا سازمان بین‌المللی) است که توسط نمایندگان دولت‌ها اعم از رئیس‌جمهور، وزیر یا نماینده ذی‌اختیار، مجلس و یا رئیس یا نماینده دارای اختیار سازمان بین‌المللی منعقد می‌شود. در نتیجه طرف عقد در معاهده دولت یا سازمان بین‌المللی مربوطه به‌عنوان اصیل، از حقوق و تکالیف ناشی از معاهده برخوردار می‌گردند. دیوان دآوری در دآوری دریای چین جنوبی بیانیه زیر را صادر کرد: برای ایجاد یک توافق الزام‌آور، یک سند باید نشان‌دهنده قصد روشنی برای ایجاد حقوق و تعهدات بین طرفین باشد. چنین قصد روشنی با ارجاع به شرایط واقعی سند و شرایط خاص تصویب آن تعیین می‌شود. رفتار بعدی طرفین یک سند نیز ممکن است به تعیین ماهیت آن کمک کند. (Fitzmaurice, 2021: <https://opil.ouplaw.com>)

بر اساس تلقی دولت‌ها به‌عنوان طرف‌های معاهده، در صورتی که کشور طرف متعاهد مفاد عهدنامه را نقض کند، اصولاً اتباع کشورها اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله بازرگانان و شرکت‌های تجاری فقط از طریق دولت‌های متبوع خود می‌توانند به نقض معاهده اعتراض و پیگیری نمایند. (شیروی، ۱۳۹۴: ۴۰) بر مبنای این نظر با توجه به اصل نسبی بودن قراردادهای آنها، تنها دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی طرف معاهده از این عمل حقوقی متأثر می‌شوند و به‌جز طرف‌های توافق سایر دول و سازمان‌های بین‌المللی نیز نسبت به حقوق و تکالیف حاصل از آن بیگانه‌اند.

در نتیجه اصل نسبی بودن قرارداد دو یا چند دولت یا سازمان بین‌المللی نمی‌تواند از طرق معاهده تکلیفی برای دولت‌های غیر طرف (غیر عضو) ایجاد نمایند اما بر اساس نهاد تعهد به نفع شخص ثالث، این دولت‌های متعاهد می‌توانند برای دولت یا دولت‌های دیگر حقوقی ایجاد نمایند. این امکان در ماده ۳۶ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ پیش‌بینی

شده است. تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق داخلی ما به موجب ماده ۱۹۶ قانون مدنی کشور ما شناسایی شده و به رسمیت شناخته شده است.

در این تحلیل با توجه به ماهیت قراردادی و لزوم شرط تعدد طرفین به صورت تقابلی، در معاهدات دوجانبه خروج یکی از اعضای معاهده عملاً موجب انحلال آن خواهد شد، اما در نوع چندجانبه اصولاً معاهده پابرجاست و آثار آن اعم از حقوق تکالیف ناشی از آن برای سایر اعضا باقی خواهد ماند. خروج ممکن است منوط به شروط یا تشریفاتى خاص باشد به عنوان نمونه در «کنوانسیون منع توسعه، تولید و انباشت تسلیحات باکتریولوژیک (بیولوژیک) و توکسین و امحاء آن‌ها» خروج هر کشور به دلیل اتفاقات غیرمترقبه باید کشور مزبور سه ماه قبل تصمیم خروج را به طور کتبی به سایر طرف‌های کنوانسیون و شورای امنیت سازمان ملل متحد اطلاع دهد. (تدین و معتمد، ۱۴۰۲: ۹) در معاهده منع سلاح‌های هسته‌ای ۲۰۱۷ به موجب بند ۲ ماده ۱۷ از تاریخ اعلام وقایع نامتعارف مرتبط با این معاهده به امین معاهده خروج عضو پس از ۱۲ ماه صورت می‌پذیرد. (عسکری، ۱۳۹۹: ۴۲۴) آر سوی دیگر ورود اعضای جدید نیز می‌تواند اعضا و در واقع طرف‌های معاهده را اضافه نماید، برخلاف معاهدات بسته که ورود اعضای جدید پس از انعقاد غیرممکن است در معاهدات باز امکان پیوستن اعضای جدید وجود دارد؛ به عنوان نمونه معاهده تجارت تسلیحات مصوب ۲۰۱۳ مجمع عمومی سازمان ملل به عنوان نخستین هنجار حقوقی الزام‌آور، روزبه‌روز در حال توسعه است، اعضای آن در حال افزایش است و سبب توسعه آن شده‌اند. (جعفری و خسروی، ۱۳۹۹: ۲۰۸)

نظریه عقد بودن معاهدات بین‌المللی قابل پذیرش است و به جهت وجود ارکان و شرایط اساسی عقد اعم از اراده طرفین معاهده، به عنوان منشأ ایجادى آن و موضوع معین و مشخص معاهدات مورد توافق مثبت چنین ماهیتی است. از طرفی شرط اهلیت نیز با توجه به اینکه طرف اصیل، اشخاص حقوقی دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی هستند، اصولاً اهلیت تمتع دارند و اهلیت استیفا در خصوص شخص حقوقی موضوعیت ندارد اما نماینده دولت که مبادرت به مذاکره و در نهایت امضای معاهده به نمایندگی از دولت می‌نماید، از مقامات سیاسی است که قطعاً از اهلیت استیفا برخوردار است. ماده ۶ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ اهلیت همه کشورها برای انعقاد معاهدات تصریح نموده و ماده ۷ آن مصادیق و شرایط نمایندگی تام‌الاختیار برای انعقاد معاهده را بیان نموده و به لزوم ارائه مدارک دال بر تام‌الاختیار بودن آن‌ها را مقرر نموده البته برخی مقامات را به اعتبار سمت آن‌ها از ضرورت ارائه مدرک نمایندگی استثناء نموده؛ به طوری که رؤسای کشورها، رؤسای دولت‌ها، وزرای امور خارجه از جمله نمایندگان دارای اختیار برای انجام تمام اعمال راجع به انعقاد معاهده، نمایندگی روسای هیأت‌های دیپلماتیک برای انعقاد معاهده صرفاً بین کشور با کشوری است که بین آن‌ها استوارنامه سفر پذیرفته شده و همچنین نمایندگان معرفی شده به یک کنفرانس یا سازمان بین‌المللی به منظور پذیرش متن یک معاهده. مطابق ماده ۸ کنوانسیون مزبور «چنانچه انعقاد معاهده به وسیله شخص فاقد نمایندگی به عمل آید، اثر حقوقی نخواهد داشت مگر اینکه متعاقباً به وسیله آن کشور تأیید گردد»؛ رویکرد و آثار عمل نماینده فاقد سمت یا اختیار در معاهده نیز مشابه معاملات فضولی است که فاقد اثر است مگر از سوی اصیل تنفیذ شود، موضوعی که به جنبه ماهیت قراردادی آن مربوط است.

شرط مشروعیت جهت معاهده نیز از آن روی که نظام و قوانین داخلی هر کدام از دولت‌ها باید رعایت گردد، خودبه‌خود در فرایند تصویب مجلس و نظارت شورای نگهبان از جهت عدم مغایرت با موازین شرعی و قانون اساسی تأمین می‌گردد و الا به مرحله تصویب و تأیید نخواهد رسید. بر این اساس ممکن است این‌گونه جلوه کند که در

ماهیت قراردادی دانستن معاهدات بین‌المللی از منظر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی طرف معاهدات مانعی وجود ندارد و گفته شود که معاهدات بین‌المللی، قرارداد بین‌المللی هستند که بین دولت‌ها منعقد می‌گردد، از طرفی وجه تقابلی دو یا چند طرف معاهده مبین ماهیت عقدی آن‌هاست. اما کاستی اطلاق این نظر در بندهای بعدی بحث و تحلیل می‌گردد.

۳. ماهیت قانونی معاهدات بین‌المللی

تهیه و تدارک قانون در سیر تاریخی به‌صورت فرمان‌های دینی در جوامع مذهبی، انشاء قواعد آمرانه از سوی مقامات دولتی، اراده مجموع شهروندان در دموکراسی مستقیم و به‌وسیله نمایندگان ملت در نظام پارلمانی محقق می‌شود. (لوی برول، ۱۳۸۶: ۷۰) صلاحیت قانون‌گذار (پارلمان) عام و کلی است و مجالس مقننه حق دارند در کلیه زمینه‌ها و موضوعات مربوط به دولت-کشور بحث و مذاکره نموده و به وضع مقررات مبادرت ورزند. (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۷۷: ۲۳۶) تصویب قانون برای رفع نیازهای جامعه است که می‌تواند در موضوعات مختلف باشد، منشأ قانون ممکن است داخلی و در قالب طرح یا لایحه و یا اینکه توافقات بین‌المللی دولت با سایر دولت‌ها باشد. برای انعقاد و لازم‌الاجرا شدن معاهدات بین‌المللی امضای مقامات قوه مجریه کافی نیست بلکه اصولاً باید به تأیید قوه مقننه دولت‌ها نیز برسد؛ بر همین اساس نظر دیگر راجع به ماهیت حقوقی معاهدات بین‌المللی نظریه ماهیت قانونی است.

اکثر قوانین اساسی به دلایل دموکراتیک و سیاسی مبتنی مشارکت نمایندگان مردم (پارلمان) در روند انعقاد معاهدات بین‌المللی است، زیرا این توافقات شامل تعهداتی است که به هر نحوی بر حاکمیت و فعالیت‌های کشور تأثیر می‌گذارد. دولت، و به‌منظور تضمین حقوق دولت و عدم تلاقی با منافع ملی کشور، بازنگری مفاد معاهده نیز نیاز به نظر مجلس دارد. (شعلان حمد، ۲۰۲۳: ۱) با اشغال عراق از سوی آمریکا در سال ۲۰۰۳ ساختار سیاسی جدیدی در این کشور شکل گرفت، تدوین قانون اساسی جدید، ایجاد دولت و مجلس قانون‌گذاری بر مبنای پارلمانی از جمله این تحولات بود (بوالحسنی و توتی، ۱۳۹۴: ۱۰۱) نگارش قانون اساسی از حالت فرایند تدریجی به طرحی ضربتی تبدیل گردید، (خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۱۲) در این کشور مسئله فدرالیسم به‌عنوان یکی از چالش‌های قانون اساسی جدید، با واکنش‌های زیادی مواجه بود. (احمدی و قزوینی حائری، ۱۳۸۹: ۲۹) در این قانون بر ایجاد رژیم پارلمانی مبتنی بر یک مجلس ملی با اختیارات وسیع به ایجاد نظامی فدرالی تأکید شده است. (فریادی، حبیبی و محمدعلی‌پور، ۱۳۸۴: ۳) مطابق اصل ۱۱۳ و اصول بعدی متشکل از دولت مرکز و چند منطقه و ادارات محلی است. تاکنون فقط اقلیم کردستان در عراق تشکیل گردیده و دارای قوای مجریه، مقننه و قضاییه جداگانه است. سایر مناطق تحت نظر حکومت مرکزی می‌باشند، البته طرح تشکیل اقلیم وسط و جنوب برای شیعیان نیز در دست بررسی است. (باقری، ۱۳۹۲: ۱۳۸) قوه مجریه فدرال عراق از رئیس‌جمهور و هیأت وزیران تشکیل می‌گردد. قانون اساسی عراق از شیوه اختصاص اختیارات مهم به دولت مرکزی و ارجاع سایر موارد به فدرال محلی استفاده نموده است؛ (فریادی، حبیبی و محمدعلی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۱) در اصل ۱۰۸ در بند نخست ترسیم سیاست خارجی و نمایندگی دیپلماتیک و مذاکره درباره معاهدات و توافق‌نامه‌های بین‌المللی را در شمار وظایف و اختیارات انحصاری مقامات فدرال مرکزی قرار داده است. بنابراین مقامات مناطق در این خصوص فاقد صلاحیت هستند و مسائل این حیطه به مقامات فدرال مرکزی مربوط است.

برخی نویسندگان گفته‌اند؛ قانون اساسی این کشور اجازه تأسیس دفاتر نمایندگی مناطق در کنار سفارتخانه‌های دولت عراق داده شده است، این اختیاری بی‌سابقه برای مناطق محسوب می‌گردد بر همین مبنا در سال ۲۰۰۶ اداره روابط خارجه اقلیم کردستان عراق تأسیس گردید که تحت نظارت آن ۱۴ دفتر نمایندگی این اقلیم در کشورهای دیگر ایجاد شده است. از سویی در پی این اجازه قانونی، تا به حال کنسولگری، دفاتر سفارتخانه، نمایندگی سازمان‌های بین‌المللی و... نیز در اقلیم کردستان ایجاد شده است؛ حال آنکه اجازه قانون شامل چنین اختیاری نیست. (منوئی و دیگران، ۱۴۰۱: ۶۵۰) شاید گفته شود مجوز مذکور و پیشروی‌های عملی اقلیم مزبور در توسعه فعالیت‌های دیپلماتیک راه را به سوی امکان مذاکره و تحرکاتی برای انعقاد معاهدات بین این منطقه با سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را باز می‌نماید، اما همان‌طور که بیان گردید با تصریح قانون اساسی این امر را باید از صلاحیت‌های انحصاری دولت فدرال مرکزی عراق دانست.

در کشور عراق، قانون اساسی سابق در ماده ۵۷ انجام مذاکره و انعقاد موافقت‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی از وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور بود، بدون اینکه به تصویب در مجلس اشاره شود؛ موضوعی که موجب می‌شد وجه ماهیت قانون بودن معاهدات از منظر داخلی را با مانع مواجه سازد؛ اما در قانون اساسی جدید مصوب ۲۰۰۵ بر اساس معیار قانون اساسی ۲۰۰۵، دو مرحله مذاکره معاهدات بین‌المللی و امضای آن‌ها را بر عهده هیأت وزیران واقع شده است. به موجب ماده ۷۸ قانون اساسی مذاکره درباره معاهدات و توافقنامه‌های بین‌المللی و امضای آن‌ها یا رسیدگی به امور محوله از اختیارات هیأت وزیران دانسته است، به موجب ماده ۵۹ تصویب معاهده‌ها و توافقنامه‌های بین‌المللی در صلاحیت مجلس نمایندگان است که باید با اکثریت دو سوم اعضا صورت پذیرد. پس از تصویب در این مجلس معاهده باید به تأیید رئیس‌جمهور برسد. این تأیید رئیس‌جمهور پانزده روز پس از تاریخ دریافت متن معاهده‌ها و توافقنامه‌ها صورت می‌گیرد، ترتیب اخیر عیناً همان ترتیبی است که برای سایر مصوبات مجلس در این کشور مقرر گردیده است.

بر اساس قانون اساسی ۲۰۰۵ عراق، رئیس‌جمهور و مجلس نمایندگان در تصویب معاهدات بین‌المللی مشارکت دارند، تصویب معاهده ابتدا به تصویب مجلس نمایندگان و در مرحله دوم به تأیید رئیس‌جمهور نیاز دارد. هرچند متن قانون حاکی از مشارکت رئیس‌جمهوری و مجلس نمایندگان در تکمیل مرحله تصویب معاهدات بین‌المللی است، اما بررسی دقیق‌تر مؤید آن است که مرجع دارای حق رد، از اختیار واقعی برخوردار است. در مقایسه، معلوم می‌گردد که رئیس‌جمهور - با توجه به صراحت متن - امکان تأیید صریح را ظرف پانزده روز از تاریخ وصول آن از مجلس نمایندگان به دست می‌آورد؛ بدین معنا که وی حق رد معاهده بین‌المللی مصوب مجلس نمایندگان را ندارد، بلکه امتناع وی از تأیید صریح و سپری شدن مدت مزبور، تأیید ضمنی محسوب می‌شود. در مقابل، حق تصویب معاهده بین‌المللی به معنای واقعی با مجلس نمایندگان است که شامل اختیار پذیرش و رد می‌شود، به این ترتیب نظام قانون اساسی کنونی که به مجلس اهمیت واقعی متناسب با موقعیت سیاسی و نمایندگی آن از مردم و در نتیجه حق تصویب معاهده بین‌المللی یا رد آن را می‌دهد. صلاحیت مجلس نمایندگان برای تصویب یک معاهده بین‌المللی، به معنای صلاحیت برای اصلاح آن نیست، بلکه این امر محدود به تصویب مفاد آن یا رد کامل آن است. (شعلان حمد، ۲۰۲۳: ۶-۵) و در صورت نیاز به اصلاح باید فرآیند (مذاکره، امضا، تصویب مجلس و تأیید رئیس‌جمهور) مجدد طی گردد.

اگرچه قانون اساسی عراق صلاحیت تصویب معاهدات بین‌المللی را به مجلس نمایندگان اختصاص داده است، اما قانون اساسی تصریح می‌کند که این امر با اکثریت خاص و دو سوم اعضای مجلس نمایندگان انجام شود، بنابراین عدم تحقق حدنصاب مذکور موجب می‌شود روند تصویب معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی واجد نقص شکلی و ناقض قانون اساسی باشد. بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این قانون استثنا بودن آن از قاعده کلی حدنصاب موردنیاز در رأی‌گیری سایر قوانین است. اهمیت معاهدات بر اساس ملاحظات منجر به الزام اکثریت دو سوم اعضای مجلس نمایندگان برای تصویب آن شد، از اینجا معلوم می‌شود تصویب معاهدات بین‌المللی طبق آنچه قانون اساسی تصریح می‌کند، نیاز به اکثریت دو سوم اعضای مجلس نمایندگان دارد، خواه آن را قانون‌گذاری کنند یا آن را اصلاح نمایند. (شعلان حمد، ۲۰۲۳: ۷ و ۱۲)

در جمهوری اسلامی ایران مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی، عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. اصل ۹۴ قانون اساسی نیز لزوم ارسال معاهده مصوب مجلس به شورای نگهبان را مقرر نموده است. با بررسی دقیق متون قانون اساسی عراق نیز مشخص می‌گردد که انعقاد معاهدات بین‌المللی محدود به مقامات مقننه و اجرایی نمی‌شود، بلکه دیوان عالی فدرال به‌طور غیرمستقیم از طریق صلاحیت خود برای نظارت بر انطباق مصوبات مربوط به این موضوع با قانون اساسی، در شکل‌گیری معاهدات بین‌المللی دخالت می‌کند. هدف مشارکت دیوان عالی فدرال در نظارت بر معاهده بین‌المللی اطمینان نسبت به مطابقت معاهده با قانون اساسی از هر دو جنبه شکلی و ماهوی است. (شعلان حمد، ۲۰۲۳: ۱) بر این اساس دیوان عالی فدرال رأی شماره (۱۰۵؛ شماره پیاپی ۱۹۴/فدرال/۲۰۲۳) را صادر کرد که به‌موجب آن تصویب معاهده بین دولت جمهوری عراق و دولت کویت در مورد مقررات دریانوردی درخور عبدالله شماره (۴۲) سال ۲۰۱۳ خلاف قانون اساسی تشخیص داده شد. (شعلان حمد، ۲۰۲۳: ۲) این مرجع به دلیل شکلی و آن عدم کسب اکثریت دو سوم اعضای مجلس، تصویب کنوانسیون مزبور را مغایر قانون اساسی اعلام نمود. (شعلان حمد، ۲۰۲۳: ۱۸)

در حقوق ایران نیز معاهدات بین‌المللی پس از مذاکرات و تنظیم متن، باید به مجلس شورای اسلامی ارسال و به‌مثابه لوایح و طرح‌ها به کمیسیون مربوطه ارجاع و پس از بررسی تخصصی و تأیید کمیسیون در معرض رأی نمایندگان قرار می‌گیرد، سپس در صورت تصویب برای نظارت از جهت شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان و در صورت تأیید در این مرجع سپس توسط رئیس‌جمهور یا وزیر و یا نماینده ذی‌اختیار از سوی آنان امضا می‌شود، معاهده پس از طی این مراحل همانند سایر قوانین در روزنامه کثیرالانتشار منتشر و ۱۵ روز پس از انتشار لازم‌الاتباع است.

در خصوص مرحله مذاکرات و تنظیم متن باید گفت؛ هیچ‌یک از نمایندگان دولت نمی‌توانند بدون اختیارات اجرایی در انعقاد معاهده مذاکره، امضا یا مشارکت کنند. وزرای امور خارجه اختیارات را به‌صورت رسمی دارند، سفرا و وزرا می‌توانند به‌موجب اختیارات و اعتبارنامه‌های عمومی خود دارای چنین صلاحیتی شوند. غیر از مقامات مزبور در صورت نیاز به سایر نمایندگان اختیارات موقت داده می‌شود، اختیارات مناسب برای انعقاد یک معاهده عواملی هستند که فیتز‌موریس^۱ آن را شرایط اعتبار رسمی می‌نامد. (Myers, 1975: <https://www.cambridge.org>) در کلیه معاهدات بین‌المللی؛ به دلایل سیاسی و امنیتی، سفر هیأت وزیران به خارج از کشور با همه اعضای خود به‌منظور مذاکره،

امضای معاهده بین‌المللی و تخلیه کشور از مهم‌ترین نهاد اجرایی خود، نامناسب است، علاوه بر این، انجام مرحله مذاکره ممکن است به سختی انجام شود؛ زیرا تعداد زیاد مذاکره‌کنندگان منجر به عدم تمرکز و اختلاف‌نظر بیهوده در مذاکرات می‌شود. در همین راستا مقنن قانون اساسی عراق آنجا که عبارت «یا هرکس که اختیار کند» را به بند مربوط به صلاحیت هیأت وزیران در دو مرحله مذاکره و امضا ضمیمه کرد، به خوبی و واقع‌بینانه عمل نموده است، زیرا امکان اعطای هیأت وزیران به دیگران در مذاکره و امضای معاهدات موجب حیات و امکان اجرای صلاحیت مزبور است، حال آنکه بدون آن امکان مذاکره نیازمند قابلیت‌های مادی، فنی و امنیتی خواهد شد (شعلان حمد، ۲۰۲۳: ۴). بر این مبنا باید معاهده را دارای ماهیت قانون دانست. این نظر مقبول برخی نویسندگان واقع شده است؛ به طوری که معاهدات بین‌المللی اعم از اینکه دو جانبه یا چندجانبه باشد را با استناد به اصول ۷۷ و ۹۴ قانون اساسی مبنی بر لزوم تصویب معاهده توسط مجلس شورای اسلامی و لزوم انتشار در روزنامه رسمی به استناد مواد ۲ و ۲ قانون مدنی دارای ماهیت قانون (در حکم قانون) دانسته‌اند. (آل کجبا، ۱۳۹۱: ۱۱ و ۱۲) این نظر به جای خود و از منظر آثار معاهده تصویب شده در داخل کشور صحیح است، در واقع در کشور ما با توجه به مراحل ذکر شده از منظر تابعان دولت جمهوری اسلامی ایران در حکم قانون است و در مواردی که عهدنامه متضمن حقوق یا تکالیفی برای مردم (اشخاص حقوقی یا حقیقی تابع ایران) است، برای آن‌ها لازم‌الاتباع بوده و دادگاه‌ها نیز در موارد مربوط مکلف‌اند به موجب مفاد معاهده رأی صادر نمایند. در تأیید این نظر باید گفت که مطابق صریح ماده ۹ قانون مدنی «معاهدات بین‌المللی در حکم قانون است».

نکته لازم به ذکر اینکه موافقت‌نامه‌های بین‌المللی از جهت شرایط رضایت و انعقاد به دو دسته قابل تقسیم است؛ موافقت‌نامه‌های رسمی و موافقت‌نامه‌های ساده یا اجرایی. آنچه به نظر مشمول عنوان معاهده و مقررات اصول ۷۷ و ۹۴ قانون اساسی می‌شود، موافقت‌نامه‌های رسمی است که برای اعلام رضایت تشریفات و طی مراحل تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان و سپس امضای مقام ذیصلاح قوه مجریه الزامی است اما نوع دیگر یعنی موافقت‌نامه‌های ساده یا اجرایی مشمول تشریفات مذکور نیست.

مطابق تفسیر شورای نگهبان از اصول ذکر شده قانون اساسی و همچنین آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی ۱۳۷۱/۱۲/۱۳ هیأت وزیران توافق‌های ساده حقوقی صرفاً با امضا مقام ذیصلاح اجرایی منعقد می‌شوند. موافقت‌نامه ساده یا اجرایی^۱ اسنادی هستند که بدون انجام تشریفات پیچیده، توسط دستگاه اجرایی دولت به شکل تازه تنظیم و منعقد می‌شوند و دارای همان اعتبار حقوقی موافقت‌نامه‌های رسمی‌اند. این نوع فقط پس از مذاکره و امضا قطعیت و رسمیت یافته و الزام‌آور هستند و نیاز به تصویب مجلس ندارند. (موسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۸) مفاد مواد ۱۱ و ۱۳ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ مستند کفایت انعقاد این دسته از توافقات بین‌المللی است.

مطابق بخشی از ماده ۱ آیین‌نامه مذکور «توافق حقوقی در مواردی که نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی باشد، «توافق حقوقی تشریفاتی» است و در سایر موارد، «توافق حقوقی ساده» محسوب می‌شود.» منظور از توافق حقوقی تشریفاتی همان معاهدات موضوع قانون اساسی است. اختصاص ضرورت تصویب مجلس و سپس امضای نهایی رئیس‌جمهور یا نماینده او به این دسته، در ماده ۱۱ همین آیین‌نامه تصریح گردیده است. و در ماده ۷ نیز موضوعات

عهدنامه‌ها و توافقات بین‌المللی که الزاماً باید در چارچوب این قسم تنظیم و تصویب شود، احصا و مشخص گردیده است.

زمان لازم‌الاجرا شدن معاهدات به‌موجب ماده ۲۴ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین تابع توافق کشورهای عضو است و در صورت سکوت، زمانی است که کلیه کشورهای مذاکره‌کننده رضایت خود به التزام در قبال آن را اعلام نمایند. علاوه بر این، امکان اجرای موقت معاهده نیز در ماده ۲۵ کنوانسیون مزبور پیش‌بینی شده است. این امر به دلیل وجود تشریفات ضروری برای تصویب معاهده در قوانین ملی کشورها متعاهد است تا دولت‌ها با توسل به این سازوکار اجرای فوری آن را عملی سازند. (عبداللهی و درهمی، ۱۳۹۸: ۱۵۲) ماده ۲۵ کنوانسیون وین ۱۹۸۶ نیز راجع به معاهدات بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و بین سازمان‌های بین‌المللی با یکدیگر با مفادی مشابه اجرای موقت تصریح نموده است.

در ایالات متحده آمریکا معاهدات رسمی به‌وسیله مجلس سنا و رئیس‌جمهور با هم منعقد می‌گردد لکن برای انعقاد معاهدات اجرایی صرفاً با رئیس‌جمهور است. (خمامی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۹) در فرانسه به‌موجب اصل ۵۲ قانون اساسی^۱ این کشور، مذاکره در مورد معاهدات و امضای آن با رئیس‌جمهور است. مذاکراتی که به‌منظور عقد یک قرارداد بین‌المللی انجام می‌شود و نیاز به امضا رئیس‌جمهور ندارد، به اطلاع وی خواهد رسید.^۲ همچنین به تصریح اصل ۵۳ معاهدات صلح، معاهدات بازرگانی، معاهدات یا موافقت‌نامه‌های راجع به سازمان‌های بین‌المللی، آن‌هایی که شامل امور مالی دولت می‌شوند، آن‌هایی که مقررات راجع به ضوابط تقنینی را تغییر می‌دهند، آن‌هایی که مربوط به احوال شخصیه است، مواردی که شامل واگذاری، مبادله یا اضافه شدن قلمرو، فقط به‌موجب قانون قابل امضا است. این موارد فقط پس از تصویب و امضا قابل اعمال هستند. هیچ‌گونه انتقال، مبادله، افزودن به قلمرو بدون رضایت مردم سرزمین مربوطه معتبر نیست.^۳

یکی از پیشنهادات این است که قانون‌گذار برای تصویب معاهدات بین‌المللی توسط مجلس شورای اسلامی برحسب انواع آن‌ها، اهمیت و موضوع آن اکثریت لازم تعیین می‌کند؛ برخی از معاهدات با اکثریت دو ثلث و یا علاوه بر آن با همه‌پرسی مردم در مورد آن‌ها و برخی نیز با اکثریت مطلق تعیین می‌گردید. ماده ۱۵۱ قانون اساسی مصر مصوب ۲۰۱۴ مقرر می‌دارد: «رئیس‌جمهور در روابط خارجی، آن کشور را نمایندگی می‌کند، معاهدات منعقد می‌کند و پس از تصویب مجلس نمایندگان، آن‌ها را تأیید می‌نماید. بر اساس مفاد قانون اساسی، در مورد معاهدات صلح، اتحاد و غیره رأی‌دهندگان باید به همه‌پرسی دعوت شوند، و نمی‌توان آن را تصویب کرد، مگر پس از اعلام نتیجه همه‌پرسی. به‌طور کلی انعقاد معاهده مغایر با مفاد قانون اساسی و در مواردی که موجب انصراف از حاکمیت هر بخشی از قلمرو کشور باشد، ممنوع است (شعلان حمد، ۲۰۲۳: ۱۳).

1- Constitution du 4 octobre 1958

2- Le Président de la République négocie et ratifie les traités. Il est informé de toute négociation tendant à la conclusion d'un accord international non soumis à ratification.

3- Les traités de paix, les traités de commerce, les traités ou accords relatifs à l'organisation internationale, ceux qui engagent les finances de l'État, ceux qui modifient des dispositions de nature législative, ceux qui sont relatifs à l'état des personnes, ceux qui comportent cession, échange ou adjonction de territoire, ne peuvent être ratifiés ou approuvés qu'en vertu d'une loi.

Ils ne prennent effet qu'après avoir été ratifiés ou approuvés.

Nulle cession, nul échange, nulle adjonction de territoire n'est valable sans le consentement des populations intéressées.

۴. ماهیت قراردادی یا قانونی معاهدات بین‌المللی

یکی دیگر از نظرات قابل طرح در خصوص ماهیت معاهدات بین‌المللی، قانون یا قرارداد بودن ماهیت آن‌ها برحسب تعداد طرفین معاهدات است؛ به‌زعم معتقدین این تئوری، چنانچه معاهدات بین دو طرف و دو جانبه باشد، ماهیت قراردادی دارد و در مواردی که معاهده بین چند طرف و چندجانبه باشد، ماهیت قانون دارد. این نظر از سوی برخی نویسندگان ابراز شده است. (صفایی، ۱۳۷۴: ۴۷) وجهی برای این تفکیک دوگانه به نظر نمی‌رسد؛ چه دو جانبه یا چندجانبه بودن معاهده اساساً در نوع ماهیت آن مؤثر نیست، زیرا در هر دو مورد مراحل ایجاد آن اعم از توافق و امضای شخص ذی‌اختیار از سوی دولت و همچنین لزوم تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان و سایر مراحل از جمله انتشار در روزنامه رسمی یکسان است و تعداد طرف‌های آن اینکه دو طرف باشد یا بیشتر در تعیین ماهیت آن دخیل نیست. این نظر در صورتی موجه است که تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان اختصاص به معاهدات چندجانبه داشته باشد اما دو جانبه چنین نباشد، حال آنکه مراحل و فرایند ایجاد اصولاً در هر حال یکی است.

۵. ماهیت قراردادی و قانونی معاهدات بین‌المللی؛ نظریه پیشنهادی و مختار

در نقد نظرات مطروحه باید گفت؛ نظر اول یعنی ماهیت ایقاعی معاهدات بین‌المللی به دلایل ذکر شده نحوی که بیان شد، قابل پذیرش نیست. اما در خصوص دو نظر دیگر یعنی ماهیت قراردادی معاهده و ماهیت قانونی این اسناد بین‌المللی، گر چه هر دو نظر همان‌طور که در خصوص هر کدام گفته شد، صحیح است، اما هر کدام از آن‌ها به تنهایی در مقام بیان ماهیت معاهدات بین‌المللی نارساست؛ به‌عبارت‌دیگر هر کدام از دو (ماهیت قراردادی و ماهیت قانونی) گر چه صادق است اما به تنهایی کافی نیست، این دو ماهیت هر کدام مبین بخشی از واقعیت ماهیتی معاهدات یا عهدنامه‌های بین‌المللی است. بنابراین انتقاد وارد بر این دو تئوری عدم‌جامعیت هر کدام از آن‌ها به تنهایی است.

در یک تقسیم‌بندی معاهدات بین‌المللی شامل دو نوع «معاهده-قانون» و «معاهده-قرارداد» است. معاهده-قانون مربوط به روابط بنیادین دولت‌ها در سطح جهانی بوده و در حکم قانون بین‌المللی مورد رعایت همه دولت‌ها می‌باشند. مواردی از جمله حقوق معاهدات دریاها ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲، کنوانسیون‌های وین راجع به حقوق معاهدات ۱۹۶۹ و آن قسمت از معاهدات که حقوق عرفی را مدون می‌سازد از این قسم محسوب می‌شوند. موضوع و مفاد این نوع معاهدات به نوعی اعلام و بیان قاعده حقوقی جهان‌شمول است. (موسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۰) اما نوع دیگر یعنی «معاهده-قرارداد» نه به‌منظور برقراری قاعده حقوقی بلکه برای اهداف انفرادی دولت‌های طرف معاهده در روابط اقتصادی، فرهنگی و نظامی و غیره منعقد می‌شوند؛ از این‌رو برخلاف دسته نخست، آثار حقوقی معاهده-قرارداد صرفاً متوجه طرف‌های معاهده است. (موسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۱) ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی معاهده-قانون را عهدنامه بین‌المللی عام^۱ و معاهده-قرارداد را عهدنامه بین‌المللی خاص^۲ تعبیر کرده است.

در تعیین ماهیت معاهدات بین‌المللی این تقسیم‌بندی مؤثر است؛ چنانچه معاهده از نوع «معاهده-قانون» باشد، اولاً منشأ ایجاد آن توافق بین‌المللی طرفین معاهده است که پس از مذاکره^۳ نسبت به امضا و تصویب آن اقدام

1- Gneral

2- Spacial

۳- چنانچه مذاکرات به توافقی منجر شود، این توافق می‌تواند طی سندی مکتوب از جمله بیانیه مشترک یا حتی یک معاهده به تهنهائی معین در خصوص موضوع تبدیل شود. (شهبازی و خسرونژاد، ۱۴۰۰: ۱۰۹۶)

می‌نمایند، این معاهدات با توجه مضمون و مفاد آن‌ها که موجد قاعده یا قواعد حقوقی در سطح بین‌المللی است، آثار آن‌ها محدود به اعضای امضاکننده نیست بلکه به‌مثابه قانون در گستره بین‌الملل و جهان‌شمول اعتبار دارد و به نوعی برای همه تابعان حقوق بین‌الملل قاعده حقوقی و در نتیجه حق و تکلیف تعریف می‌کند، بر این مبنا ماهیت آن نه‌تنها در سطح داخلی کشورهای عضو معاهده بلکه در سطح بین‌الملل برای همه دولت‌ها ماهیت قانون دارد. از این‌رو نقش قراردادی آن که محدود به مرحله ایجاد معاهده است با تصویب مبدل به ماهیت قانونی می‌شود، بنابراین ماهیت عهدنامه‌های از نوع «معاهده-قانون» را هم از منظر داخلی دولت‌ها و هم از منظر بین‌المللی باید در حکم قانون بین‌المللی دانست؛ از جمله این موارد معاهداتی که منجر به تعهدات "erga omnes" می‌شوند دارای وزنی هستند که آن‌ها را بالاتر از سایر معاهداتی قرار می‌دهد که موجب چنین تعهداتی نمی‌شوند. تعهدات erga omnes دلالت بر این دارد که همه دولت‌ها در آن دارای منافع قانونی هستند. (Haugen, 2007: 436) این تعهدات با توجه به ارتباط با حقوق بنیادین شخص انسان، تعهدات جامعه‌نمیده می‌شوند که عضویت در جامعه بین‌المللی مستلزم رعایت آن‌ها بوده و رضایت دولت‌ها مفروض است. اصولی که حتی بدون تعهد قراردادی بر دولت‌ها الزام‌آور می‌باشند. (رستم‌زاد، ۱۳۸۴: ۱۱) معاهدات دارای چنین مفادی به طریق اولی این قابلیت را دارند تا در شمار معاهده-قانون قرار گیرند.

در خصوص این نوع از معاهدات گفته شده: هنجارهای حقوقی عینی مندرج در معاهده به‌عنوان یک هنجار حقوقی بین‌المللی برای کل جامعه بین‌المللی بوده، بنابراین، در داخل هر یک از جوامع دولتی، دارای قوت هستند. این‌گونه معاهدات در ماهیت قرارداد نیستند، زیرا نه بین طرفینی بلکه فرا طرفینی می‌باشند. برخی از نویسندگان بریتانیایی بین معاهدات منعقد شده در نتیجه جنگ و معاهده‌هایی که در زمان صلح بسته شده‌اند، تمایز قائل شده‌اند و ادعا می‌کنند که اولی به تنهایی بدون مصوبه پارلمان معتبر است. اما رویه واقعی نشان می‌دهد که تمایز بین معاهداتی است که بر حقوق خصوصی تأثیر می‌گذارند و معاهداتی که تأثیر نمی‌گذارند؛ بنابراین سؤال این است که آیا این معاهده تأثیری بر حقوق خصوصی دارد و بنابراین مستلزم تأیید قانون‌گذار است؟ (Wright, 1916: <https://doi.org/10.2307/2186926>) در این دیدگاه معیار لزوم تصویب توسط مجلس، تأثیرگذاری مفاد معاهده در حقوق خصوصی است، از این‌رو معاهداتی که مؤثر در حقوق خصوصی نیست، با توجه به عدم تصویب مجلس فاقد جنبه داخلی بوده و ماهیت آن صرفاً از منظر بین‌المللی موضوعیت می‌یابد که این امر (مطابق آنچه در سطور قبل بیان شد)، بستگی به این دارد از نوع معاهده-قرارداد باشند یا معاهده-قانون.

اما چنانچه معاهده بین‌المللی از نوع «معاهده-قرارداد» باشد، هم ماهیت قراردادی دارد و هم واجد ماهیت قانون است؛ این نوع معاهدات از منظر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی طرف توافق در برابر یکدیگر به‌مثابه قرارداد است، البته این قرارداد زمانی تکمیل و به مرحله نهایی خود می‌رسد که مراحل لازم مطابق قانون داخلی هر کشور طرف معاهده به انجام برسد؛ بنابراین از منظر بین‌المللی باید ماهیت آن‌ها را قرارداد دانست؛ زیرا محصول توافقی متقابل است که با رضایت طرفین منعقد گردیده است و فاقد نحوه ایجاد، آثار و الزام‌آوری تقنینی است، لکن از منظر داخلی و در ارتباط با اتباع حقیقی و حقوقی دولت‌های طرف معاهده چنانچه نیازمند تصویب نهاد یا مراجع قانون‌گذاری باشد، آثار و الزام ناشی از آن نیز به‌مثابه قانون و در نتیجه دارای ماهیت قانون است.

در حقوق عراق برخلاف قانون اساسی پیشین که مذاکره و انعقاد معاهدات بین‌المللی از وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور بود، بدون اینکه به تصویب در مجلس اشاره شود؛ و در نتیجه وجه ماهیت قانون بودن معاهدات از منظر داخلی را با مانع مواجه ساخته بود؛ به موجب قانون اساسی کنونی مذاکره درباره معاهدات بین‌المللی و امضای آن‌ها یا رسیدگی به امور مربوط از اختیارات هیأت وزیران اما تصویب آن در صلاحیت مجلس نمایندگان با اکثریت دو سوم اعضا است. و پس از تصویب در این مجلس ظرف پانزده روز پس از تاریخ دریافت متن معاهده‌ها باید به تأیید رئیس‌جمهور برسد؛ این روند مؤید این است که از منظر داخلی معاهده اصولاً واجد ماهیت قانون است.

مطابق مقررات جمهوری اسلامی ایران برای تکمیل رضایت نسبت به معاهده پس از مذاکره، باید فرایند تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان را طی نماید؛ (اصل ۷۷ و ۹۴ قانون اساسی) این معاهده پس از طی این مراحل و انتشار و مضمی ۱۵ روز از منظر اتباع جمهوری اسلامی ایران ماهیت قانون دارد (مواد ۱ تا ۳ قانون مدنی) و به تصریح ماده ۹ ق.م «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.» اجرای عهدنامه در محاکم داخلی منوط به انتشار آن است، ولی در روابط بین‌المللی پس از تصویب مجلس اعتبار عهدنامه کامل است و باید بی‌درنگ رعایت شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۳۱) رویکرد این ماده قانونی این است که معاهده به‌مانند قانون برای کلیه اتباع ایرانی از جهت حقوق و تکالیف حاصله مؤثر و لازم‌الاتباع است؛ از این رو دادگاه‌ها در موارد مرتبط باید به‌مثابه مواد قانونی بدان رجوع و با استناد به آن رأی صادر نمایند.

بر اساس این تحلیل، در این نوشتار نظریه پیشنهادی و مختار برای بیان ماهیت معاهدات از نوع «معاهده-قانون»، چه از منظر داخلی و چه از منظر بین‌المللی «قانون» است و از نوع «معاهده-قرارداد» چه معاهده دوجانبه باشد و چه چندجانبه اصولاً دارای ماهیت دوگانه «قرارداد-قانون» است. این نظر واجد و گویای هر دو زاویه (بین‌المللی و داخلی) ماهیت معاهدات بین‌المللی است و از اجمال هر کدام از دو نظر اخیر مبراست.

مفاد عهدنامه نه تنها توسط دولت‌های عضو در روابط خود باید محترم شمارند، در داخل هر یک از این دولت‌ها نیز محاکم باید آن را به‌منزله قانون بدانند. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۲۷) آثار تعیین ماهیت معاهدات در مسئله تعارض معاهده با قانون داخلی نیز واجد اثر است؛ اگر همانند برخی نظرات قائل به ماهیت قراردادی معاهده شویم، چنانچه با قانون داخلی معارض باشد، از آنجا که اتباع دولت‌های عضو طرف معاهده نیستند، بلکه دولت به‌عنوان شخص حقوقی طرف قرارداد محسوب می‌گردد، بنابراین اصولاً معاهده توان مقابله با قانون را ندارد و در هر حال قانون باید لحاظ شود. اما در صورتی که از منظر داخلی دولت متعاهد، ماهیت آن را قانون بدانیم به‌مثابه قانون است و در نتیجه اولاً سیاست قانون‌گذاری بعد از آن باید پرهیز از تصویب قانون معارض باشد، ثانیاً در صورت وجود قانون معارض موجود و یا به هر جهت وضع قانون معارض پس از تصویب معاهده، حل مسئله تابع تعارض دو قانون داخلی است. در راستای ضرورت هماهنگی قوانین داخلی با معاهده، به‌عنوان مثال در خصوص وجود تعارض معاهده با قوانین موجود و لزوم اصلاح قانون گفته شده «عمده مغایرت‌های حقوق [قانون] ایران با معاهده منشور انرژی که نیازمند اصلاح است به استفاده از شیوه‌های داوری باز برمی‌گردد و گرنه در بخش شیوه‌های دوستانه مغایرتی وجود ندارد. (کریمی‌فرد، ۱۳۹۶: ۱۰).

برخی با وجود سکوت قانون، تفوق مقررات معاهدات نسبت به قوانین داخلی را یک اصل بدیهی دانسته‌اند. (اسکینی، ۱۳۹۲: ۲۶) در اتحادیه اروپا معاهدات در ردیف یا برتر از قوانین عادی در کشور عضو لازم‌الاجراست. (شیروی، ۱۳۸۹: ۲۶۶) در ایالات متحده آمریکا در بحث‌هایی درباره وضعیت داخلی حقوق بین‌الملل به‌طور کلی، از نظر

بین‌المللی‌گرایان، دادگاه‌ها و مقامات داخلی باید بیشتر پذیرای حقوق بین‌الملل باشند. از سوی دیگر، ملی‌گرایان عموماً به دنبال حفظ دیوار آتش بین قوانین بین‌المللی و داخلی هستند و تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام قواعد از آن دیوار عبور می‌کنند را به مقامات سیاسی ملی واگذار می‌کنند. (young, 2009: 93) برخی نویسندگان با تفکیک وجهه داخلی و بین‌المللی گفته‌اند: «در روابط بین‌المللی اعتبار عهدنامه بیش از قانون داخلی است و اختیار دولت را در وضع قانون معارض محدود می‌کند اما در محاکم داخلی، هرگاه قانونی مخالف با عهدنامه وضع شود، دادگاه باید قانون مخالف را رعایت کند که آخرین اراده قانون‌گذار است. (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۳۱) این نظر به جهت توجه به هر دو جنبه داخلی و بین‌المللی معاهده ممتاز است، به‌ویژه اینکه از منظر داخلی به قاعده تقدم و تأخر زمان تصویب اتکا نموده اما در تکمیل موضوع و بر مبنای مفهوم مخالف عبارت باید معاهده مؤخرالتصویب را ناسخ قانون مقدم معارض دانست، البته چنانچه از جهت عام و خاص بودن موضوع معاهده و قانون داخلی معارض متفاوت باشند، باید قاعده «عام لاحق، خاص سابق را نسخ نمی‌کند» را اعمال نمود. در این باره یکی از نویسندگان حالت تعارض قانون مؤخر بر عهدنامه را نوع مشکل تعارض عهدنامه با قانون داخلی می‌داند (ارفع‌نیا، ۱۳۷۶: ۲۹) در صورتی که قانون مؤخر معارض عام نباشد و به اصطلاح تعارض مقرر معاهده خاص با قانون مؤخر خاص باشد با ابتناء بر ماده ۹ قانون مدنی آن را به مثابه تعارض دو قانون دانسته و قانون مؤخر را تا حدودی که با عهدنامه تعارض دارد ناسخ عهدنامه می‌داند اما چون عهدنامه ناشی از اراده مشترک دو یا چند دولت است، از نظر بین‌المللی قائل به مسئولیت دولت ناسخ عهدنامه در مقابل دیگر دولت‌های امضاکننده عهدنامه است. (ارفع‌نیا، ۱۳۷۶: ۳۰/۱-۳۱)

در فرانسه معاهده بر قانون داخلی ارجح است؛ مطابق اصل ۵۵ قانون اساسی ۱۹۵۸ «معاهدات یا قراردادهایی که به صورت قانونی تأیید گردیده و به امضا رسیده‌اند از تاریخ انتشار نسبت به قوانین داخلی ارجحیت دارند مشروط بر این که طرف دیگر قرارداد یا معاهده نیز تعهدات خود را اجرا نماید.»^۱ آنچه بیان شد راجع به تعارض معاهده با قانون عادی است نه قانون اساسی؛ زیرا برای تهیه و تنظیم معاهداتی که بتواند مورد قبول کشورها قرار گیرد، باید با توجه به محدودیت‌های موجود در قوانین اساسی کشورها تنظیم گردد. (شیروی، ۱۳۸۹: ۲۷) و بدین سان از تأیید و تصویب این نوع معاهدات پیشگیری خواهد شد.

نتیجه‌گیری

معاهده به عنوان توافقی بین دو یا چند دولت از اهمیت فراوان برخوردار است، این اسناد بین‌المللی متضمن ایجاد حقوق و تکالیفی است. این واقعیت اعتباری از ماهیت حقوقی برخوردار است؛ نظرات ارائه شده تاکنون از جامعیت کافی برخوردار نبوده و به نحوی یکی از زوایای ماهیت معاهده (داخلی یا بین‌المللی) مغفول مانده است، تشخیص صحیح این ماهیت واجد رویکردی مؤثر از جهات مختلف از جمله شناخت جنس و چیستی این اسناد بین‌المللی، معرفت آثار حقوقی و سطح و دامنه الزام‌آور بودن آن‌ها، چگونگی حل مسئله تعارض معاهده با قوانین داخلی و همچنین تشخیص دارندگان حق و تکلیف است.

1- Les traités ou accords régulièrement ratifiés ou approuvés ont, dès leur publication, une autorité supérieure à celle des lois, sous réserve, pour chaque accord ou traité, de son application par l'autre partie.

به‌طور کلی ماهیت قراردادی و ماهیت قانونی برای معاهدات بین‌المللی صدق می‌نماید، اما برخلاف قراردادهای یا سایر تأسیسات حقوقی داخلی به جهت ویژگی بین‌المللی این اسناد از یک جهت و آثار داخلی آن‌ها در این تشخیص اولاً هر دو زاویه (داخلی و بین‌المللی) لحاظ گردد ثانیاً نوعی از تقسیم‌بندی راجع به این اسناد استفاده شود که در تعیین ماهیت حقوقی آن‌ها مؤثر است. تفکیک ماهیت حقوقی معاهده برحسب دو یا چندجانبه بودن در این امر مؤثر نیست، زیرا در هر حال روند تصویب و تأیید در هر دو یکسان است. از این‌رو از منظر داخلی و ملی از ماهیت قانونی برخوردار است اما از منظر بین‌المللی تنها تقسیم‌بندی مؤثر در تشخیص درست انواع معاهدات تفکیک آن به دو نوع «معاهده-قانون» و «معاهده-قرارداد» است؛ نوع اول چون اصولاً متضمن ایجاد قاعده حقوقی است، به نوعی آثار بین‌المللی آن به همه دولت‌ها سرایت می‌نماید، دارای ماهیت قانون است. اما نوع دوم (معاهده-قرارداد) از آنجاکه آثار آن فردی و حقوق و تکالیف آن صرفاً متوجه دولت‌های متعاقد است، از منظر بین‌المللی ماهیت قرارداد بر آن صدق می‌نماید.

منابع

- احمدی، فرج‌الله؛ قزوینی حائری، یاسر (۱۴۸۹)، فرایند تدوین قانون اساسی عراق، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۰(۲)، ۳۷-۱۹.
- ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۷۶)، حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد اول، چ ۲، تهران: بهتاب
- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۲)، حقوق تجارت (کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری)، چ ۱۶، تهران: سمت.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۰). مکاسب. جلد هشتم. چاپ اول. قم: دارالکتب.
- آل کجفاف، حسین (۱۳۹۱) حقوق بین‌الملل خصوصی ۱، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- باقری، حسین (۱۳۹۲)، بازیگران داخلی در ساختار سیاسی عراق نوین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، آفاق امنیت، ۵(۱۹)، ۱۶۵-۱۳۵.
- تدین، کیوان؛ معتمد، نجمه (۱۴۰۲)، «معاهده منع توسعه و تکثیر سلاح‌های بیولوژیک به زبان ساده»، مجله ترویجی واکسن و پیشگیری از بیماریها در دامپزشکی، ۲(۱)، ۱۰-۱.
- رستم زاد، حسینقلی (۱۳۸۴)، جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی *erga omnes*، مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۲(۳۳)، ۹-۷۱.
- doi: 10.22066/cilamag.2005.17971
- جعفری، سیداصغر؛ خسروی، ایمان (۱۳۹۹)، «معاهده تجارت تسلیحات و جمهوری اسلامی ایران: تهدیدها و فرصتها»، دانش تفسیر سیاسی، ۲(۵)، ۲۱۲-۱۷۷.
- حسینی عاملی، سیدجواد بن محمد (۱۴۱۹). مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة. جلد دوازدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- خلیلی، محسن (۱۳۹۲)، قانون اساسی جدید عراق و پیدایش دوباره کشمکش سیاسی، مطالعات سیاسی-اجتماعی جهان، ۳(۱)، ۱۲۰-۹۳.
- خمامی‌زاده، فرهاد (۱۳۸۹)، «تفسیر و اجرای معاهده در حقوق داخلی»، حقوق خصوصی، ۷(۱۶)، ۵۲-۳۳.
- شعلان حمد، حسین (۲۰۲۳)، الأغلییة اللازمة لموافقة مجلس النواب العراقي على المعاهدات الدولية، إصدارات مرکز البیدر للدراسات و التخطيط. ۶. ۲۵۰۶. <https://www.baidarcenter.org/posts/2506>
- شکری، محمد (۱۴۰۲۹) «چالش‌های حقوق مهریه سکه؛ طرح راهکارهای قانونی»، تعالی حقوق، ۱۴(۱)، ۲۹۱-۲۵۹.
- شمالی، همت اله بصیری، محمدعلی (۱۳۹۶)، نتایج و پیامدهای امنیتی انعقاد عهدنامه آخال (۱۲۶۰)، مطالعات تاریخ انتظامی، ۴(۱۵)، صص ۴۹-۶۶.
- شهبازی، آرامش؛ خسرونژاد، مژگان (۱۴۰۰)، «تعهد به مذاکره در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات»، حقوق عمومی، ۵۱(۳)، ۱۱۱۴-۱۰۹۵.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۴)، حقوق تجارت بین‌الملل، چ ۸، تهران: سمت.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۹)، حقوق تطبیقی، چ ۸، تهران: سمت.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۷۴)، مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: میزان.
- عبداللهی، محسن؛ درهمی، فرهاد (۱۳۹۸)، «اجرای موقت معاهدات در حقوق بین‌الملل»، تحقیقات حقوقی، ۲۲(۸۷)، ۱۷۸-۱۵۱.
- عسکری، پویا (۱۳۹۹)، «معاهده منع سلاح‌های هسته‌ای: درنای کاغذی سپهر حقوق بین‌الملل»، تحقیقات حقوقی،

۲۳(۹۲)، ۴۳۶-۴۰۹.

فریادی، مسعود، حبیبی، همایون؛ محمدعلی‌پور، فریده (۱۳۸۴)، مروری اجمالی بر قانون اساسی جدید عراق، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۷۷۰۶.

قاسمی‌حامد، عباس (۱۴۰۱)، «ایقاع نامعین و تعهد یک‌طرفه (چالش، ارزیابی، حاصل)»، تحقیقات حقوقی، ۲۵(۹۸)، ۱۱-۳۳.

قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۷۷)، بایسته‌های حقوق اساسی، چ ۳، تهران: نشر دادگستر.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ ۷، تهران: میزان.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چ ۲۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کریمی، عباس (۱۳۹۰) ادله اثبات دعوا، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

کریمی‌فرد، زهرا (۱۳۹۶)، «معاهده منشور انرژی و عضویت ایران»، دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی، صص ۱-۱۱. SID. <https://sid.ir/paper/۸۸۸۲۷۴/fa>.

لوی برول، هانری (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی حقوق، ترجمه: سیدابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، چ ۸، تهران: میزان.

منوئی، فرناز؛ شمس برهان، ایلخان؛ موسی‌زاده، ابراهیم (۱۴۰۱)، فدرالیسم اداری و قومی؛ مقایسه تطبیقی نظام‌های فدرال عراق و آلمان، مطالعات حقوق عمومی، ۵۲(۲)، ۶۶۰-۶۴۱.

الموسوی‌الخیمینی (۱۳۶۲)، طلب و اراده، ترجمه و شرح: احمد قهری. تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی.

موسی‌زاده، رضا (۱۳۹۵)، سازمان‌های بین‌المللی، چ ۲۴، تهران: میزان.

موسی‌زاده، رضا (۱۳۹۰)، بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی، چ ۱۸، تهران: میزان.

میرمحمدی، سیدمصطفی؛ خمیسی‌زاده، مه‌ران (۱۴۰۰)، «پدیده معاهده‌گزینی و حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی»، مطالعات حقوق عمومی، ۵۱(۳)، ۹۷۱-۹۵۱.

نراقی، ملاحمد (۱۴۱۷). عوائد الأیام فی بیان قواعد الاحکام. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

Denys P. Myers (1975), The Names and Scope of Treaties, American Journal of International Law, Volume 51, Issue 3, July 1957, pp. 574 - 605. Published online by Cambridge University Press: 28 March 2017. DOI: <https://doi.org/10.23072195064/>

Fitzmaurice, Malgosia (2021) Treaties, Oxford Public International law. at: <https://opil.ouplaw.com/display/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e1481?prd=MPIL>

française Constitution du 4 octobre 1958. At: <https://www.legifrance.gouv.fr/loda/id/JORFTEXT000000571356/>

Haugen, H. M. (2007). The Nature of Social Human Rights Treaties and Standard-Setting WTO Treaties: A Question of Hierarchy?. Nordic Journal of International Law, 76(4), 435- 464. DOI: 10.1163090273507/X249228

Young, Ernest A. (2009), Treaties as part of our law, texes law Review, Vol. 88, pp. 91- 141. At: https://scholarship.law.duke.edu/faculty_scholarship/3556/

Vienna Convention on the Law of Treaties, Vienna, 23 May 1969

Wright, Quincy (1916), The Legal Nature of Treaties, American Journal of International Law, 10(4),

Published online by Cambridge University Press: 04 May 2017. <https://doi.org/10.23072186926/>